

ناصر باقری بیدہندی



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات اسلامی  
پرنال جامع علوم انسانی

مرحوم آیت اللہ العظمیٰ آقا میرزا صادق  
آقا مجتہد تبریزی



## خانندان معظم له

ایشان فرزند عالم فقیه و متکلم، علامه میرزا محمد آقا معروف به مجتهد کوچک، پسر آیت الله ملا محمد علی قراجه داغی (صاحب شرح تبصره علامه حلی و داماد حاج میرزا علی اصغر شیخ الاسلام تبریزی) است معظم له چهار برادر داشته (۱- مرحوم آیت الله حاج میرزا محسن آقا مجتهد صاحب تبیین المحجة الی تعیین الحجة ۲- آیت الله حاج میرزا عبدالحسین آقا ۳- آیت الله حاج میرزا احمد آقا صاحب نظام العالم که به چاپ نرسیده است ۴- آیت الله حاج میرزا عبدالعلی آقا مجتهد) و نیاکانش تا هفت پشت از علماء و فقهاء بزرگ شیعه بوده اند.

## ولادت و تحصیل

در حدود سال (۱۲۷۳ق) در خاندانی علمی، در شهر تبریز به دنیا آمد و تحصیلات ابتدائی را در همان شهر به پایان رساند و در سن ۱۹ سالگی به سال (۱۲۸۸ق) به همراه برادر بزرگتر خود علامه حاج میرزا محسن آقا مجتهد، برای تکمیل معلومات خود به نجف اشرف مسافرت کرد و مدت ۲۴ سال در آنجا ماند و از محضر اعظام و اساتید آنجا از جمله بزرگان زیر استفاده کرد و به درجه قدسیه اجتهاد نائل آمد و در همانجا به تدریس و تربیت طلاب پرداخت و آنان از نظریات صائب و عمیق معظم له استفاده می کردند.

## اساتید او

- ۱- شیخ حسین فاضل اردکانی
- ۲- ملا محمد فاضل ایروانی (م ۱۳۰۶ق)
- ۳- محمد فاضل شرایبانی

.....

۱ - شرح حال اجمالی این چهار برادر بزرگوار در گنجینه دانشمندان ج ۱۴ از ۴۵۸ تا ۴۶۲ مده است.



۴- محمد حسن مامقانی (م ۱۳۱۳ ق)

۵- شیخ هادی طهرانی - صاحب ذخائر النبوة (م ۱۳۲۱ ق) که بیشتر تلمذ ایشان نزد وی بوده است و از آراء و نظریات استاد خویش طرفداری کرده و آنها را تأیید می نمود مثلاً در عدم بطلان روزه بوسیله شرب تنن، از فتوای استادش پیروی کرده و به همان گونه فتوی داده و عمل می کرد.

### بازگشت به ایران

معظم له در سال (۱۳۱۲ ق) به ایران آمد و در زادگاه خود تبریز اقامت گزید و به درس و بحث و افاده و وعظ و ارشاد پرداخت و در این شهر مرجعیت تامه داشت.

### تألیفات

- ۱- المقالات الغریبة فی مباحث الالفاظ در سال (۱۳۱۷ ق) در تبریز به طبع رسیده است.
- ۲- رسالة فی المشتقات در (۱۳۱۷ ق) در تبریز به چاپ رسیده است.
- ۳- رسالة مختصرة، چاپ قم.
- ۴- الفوائد فی مسائل المتفرقة الفقهية و... این کتاب را در دوره تبعید خود در قم نوشته و در تهران در سال (۱۳۵۱ ق) به طبع رسیده است.
- ۵- شرح تبصره علامه (ره) (کتاب طهارت از ابتداء تا آخر احکام سلس است و به اتمام نرسیده).
- ۶- کتاب الصلوة در فقه از اول مبحث صلاة تا آخر باب امامة و اقتداء ۴ جزء.
- ۷- رسالة فی شرائط العوضین والربا و انتصاف المهر بالموت.
- ۸- رسالة فی بعض مسائل الصلاة.
- ۹- رسالة عملیه فارسی مشتمل بر اصول دین و مسائل اجتهاد و تقلید تا آخر مصارف خمس که در سال (۱۳۲۳ ق) به طبع رسیده است.
- ۱۰- رسالة عملیه فارسی موسوم به «واجبات الاحکام» از اول باب طهارت تا آخر باب دیات که در سال (۱۳۴۵ ق) به چاپ رسیده است.
- ۱۱- حاشیه بر وسیلة النجاة.

۱۲- حاشیه بررساله منهج الرشاد.

۱۳- انوار الحقائق فی شرح القصیده المنشأة فی مدح أشبه الناس بخیر الخلائق

انشاء از مرحوم میرزا صادق آقا، بیت اول آن این است:

أتنبوی بقاء الרכب وهورحیل ولاظلل یوماً دام لیس یزول  
تشید داراً لست فیها ساکن وتهدم بیتاً انت فیہ تزول

مؤلف «انوار الغیاهب» این قصیده را در پنج عنوان شرح کرده است: ۱- لغت ۲-

إعراب ۳- بلاغت ۴- معنی ۵- اشاره (رک: الذریعه ج ۲۶/ ۵۸).

### خصایص و ملکات روحی ایشان

صاحب علماء معاصرین وی را این گونه می ستایند:

«آن حبر اعظم، وافرالعقل، حدیدالنظر، عدیمن النظر، عمیق الفکر بود، یقرء

مکتوب الغد من عنوان الیوم والمؤمن ینظر بنورالله.

پیش بینی او به نحوی بود که از امور فسیحه و قوانین مبتدعه قبل از وقوع، به فکر

ثاقب ونظر صائب خود خبر می داد و همان طور می بود. حتی بعضی از اشخاص را معین

می فرمود که به فلان امر متصدی خواهد شد و همان طور می شد. و چنان صاحب حزم بود که

احدی نمی توانست در امری به رأیش دخالت و غلبه بنماید. و نطق نمی کرد مگر به چیزی

که نفع ببخشد برای مردم در دین و دنیای ایشان و کسی را ذکر نمی کرد مگر به خیر و

خوبی»<sup>۱</sup>

هم او در جای دیگر ایشان را این گونه توصیف می کند:

«اعلم واقفه وادق نظراً وجمیل الخلق وحسن الخلق، حلیم، کریم، حکیم، وقوی،

شدیدالعزم، قوی القلب، بصیر در امور، صبور در شداید و ملقات و متصلب در دین و شرعیات،

طیب المحاوره، مترفق در محاضره، ادیب، منشی، شاعر، مجید، جیدالخط، حسن الربط،

وبالجمله خالق البریه جلت عظمته نعم خود را در این وجود مسعود به اتمام رسانیده بود.»<sup>۲</sup>

وصاحب احسن الودیعه در ضمن ستایش از او، به صفت صبر وی اشاره کرده و

.....

۲- همان کتاب/ ۱۵۳

۱- علماء معاصرین/ ۱۵۴

گوید: «او مجهول القدر و صابر بر شدائد دهر است»<sup>۱</sup>.

سبط او حجت الاسلام والمسلمین حاج میرزامهدی صادقی گفتند:  
او خیلی متواضع بود و بسیار مؤدب و حتی نزد من که نوه او بودم پایش را دراز  
نمی‌کرد و لباس را در نمی‌آورد و اگر کسی به او بدی می‌کرد هرگز آن را به زبان نمی‌آورد و  
با اخلاق اسلامی با او مواجه می‌شد.

یکی دیگر از منسویین آن شادروان نوشته است:

(او) شخصی کریم، پشتیبان فقراء و مستضعفان و سیاستمداری هوشمند و متصلب  
در دین و خوش محاوره و محاضره بود، تسلطی قوی در ادبیات داشت و بسیار زیبا شعر  
می‌سرود، خطی زیبا و شیوه مخصوص در شکسته نویسی داشت وی محبوبیت و نفوذ  
فوق العاده‌ای داشت.

مؤلف «رجال آذربایجان در عصر مشروطیت» می‌نویسد:

در شب عید فطر مردم از نصف شب به مسجد او می‌رفتند و برای خود جا می‌گرفتند  
و بعضی از مردم جای خود را به قیمت گران به اعیان و اشراف می‌فروختند.<sup>۲</sup>

نمونه اشعار معظم له

آن مرحوم را اشعاری است در زمینه‌های زیر:

قصیده‌ای در قیام امام حسین (ع) و نوائب عاشورا، و قصیده‌ای در رثای علی اکبر (ع)  
که در کتاب وقایع الایام - جلد محرم الحرام - ص ۴۱۷ و ص ۴۹۵ به چاپ رسیده است و  
فردی آن را شرح کرده و انوار الحقائق فی شرح قصیده المنشأة فی مدح ائمه الناس بخیر  
الخلائق و قصیده دیگری نیز در مورد اردبیل دارد که خاتمه همان کتاب مذکور است و  
قصیده دیگری در فاجعه فتنه روس و به توپ بستن قبة حضرت رضا (علیه السلام) دارد و قصیده  
رثایه‌ای در رثاء مرحوم حاج میرزا عبدالکریم آقا - امام جمعه شهید تبریزی - دارد که در  
ص ۱۱۳ کتاب علماء معاصرین در ضمن شرح حال امام جمعه تبریزی و در کتاب شهداء  
الفضیلة ص ۳۹۳ مذکور است و ما در اینجا اشاره‌ای به قصیده مربوط به توپ بستن بارگاه  
امام رضا (ع) می‌نمائیم:

.....

- ص ۱۰۳

۱- احسن الودیعة/ ۱۱۰

تجد در زلم یکن یتصد  
وانتی لکم رق واسمی صادق  
بنیرانه احشائنا تتوقد  
وامی الی انسا بکم تتسند  
فرزندان ایشان

۱- آقا میرزا جواد آقا

آیت الله علی احمدی میانجی نقل می‌کرد: آیت الله آقای بهاء الدین فرمودند:  
در میان برادران تبریزی از نظر معنوی با کمالتر از آقا میرزا جواد برخورد نکرده‌ام.

۲- میرزا رضا تبریزی صاحب آثار زیر:

۱- شرح ایقان حاج شیخ هادی طهرانی ۲- محاکمات بین شیخنا الانصاری و آقای  
شیخ هادی ۳- شرح بیع آقا شیخ هادی ۴- حاشیه بر صلوة شیخ هادی ۵- شرح خلاصة  
الحساب ۶- شرح تشریح الافلاک شیخنا البهائی ۷- شرح خطبة البیان و خطبة طشنجیه  
منسوب به امیر المؤمنین (ع) ناتمام (رک: آثار الحجج ج ۲/۹۴، گنجینه دانشمندان، تقی‌ب  
البشر / ۷۲۷).

مبارزات ایشان

وی از بنیانگذاران نهضت اسلامی بر علیه زندقه و بی دینی و سیاستهای ضد  
اسلامی در کشورهای اسلامی در عمر خود بوده است علناً با مشروطه مخالفت کرده در  
دوران ملوک الطوائفی اواخر قاجار ز پیدایش مشروطیت و اوائل حکومت و سلطه پهلوی  
مبارزات قابل تقدیری داشته و با سخنان جذاب و دلنشین خود به افشاء سیاستهای  
استعماری و حکام مستبد و قوانین موضوع آنها پرداخته است و مرجع بیدار عالم تشیع  
حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (دام ظلّه) در سخنرانیهای خود در موارد متعدد به  
فداکاریها و مبارزات آیت الله میرزا صادق آقا اشاره فرموده‌اند مثلاً برای سست کردن  
پایه های حکومت استبدادی رضاخان با قانون نظام وظیفه و سربازی اجباری مخالفت کرد و  
وقتی همه بازارها را به احترام نظر ایشان بستند فرموده بود ای کاش یکی از ما را می کشتند که  
اگر یک نفر از ما کشته می شد کار تمام می شد.

و این همان شیوه‌ای است که امام خمینی هنگامی که انقلاب اسلامی شتاب  
بیشتری به خود گرفته بود به آن فرمان داد و سربازان مسلمان از سربازخانه‌ها متواری شدند و  
تزلزلی در ارکان حکومت شاه افتاد و به سرنگونی آنها منتهی شد.  
سرانجام آقا میرزا صادق آقا و جمعی از علمای مبارز را به کردستان تبعید کردند و

هنگامی که رضاخان، اقبال مردم را به آنان دید دستور آزادی آنان را داد و هرکس به شهری رفت اما میرزا صادق آقا در پادگان ماند و گفت من باید بدانم که گناهم چه بوده است. رضاخان دستور داد او را به قم تبعید کنند تا تحت الشعاع مرحوم حاج شیخ عبدالکریم قرار گیرد همان سیاستی که درباره امام خمینی مدظلّه العالی اعمال شد.

• فاضل محترم حجة الاسلام آقای سید ابراهیم سید علوی در ارتباط با کناره گیری آقا میرزا صادق آقا از حکام و سلاطین قاجار و پهلوی می نویسد:

والد گرامی ام برایم نقل کرد که یک روز عبدالله خان طهماسبی گویا از سوی پهلوی می خواست با آقا دیدار کند در آن موقع آقا میرزا صادق آقا در خانه خود نبود و در محله جامش آوان (جمشیدآباد) یا عم زینه دین (عموزین الدین) تبریز بود. عبدالله خان از محل زندگی آقا اطلاع یافت و به آنجا آمد و اجازه ملاقات خواست، اما آقا تمارض کرده، از ملاقات و دیدار با وی امتناع فرمود ولی پس از آنکه او بر این دیدار اصرار ورزید به وی اجازه داده شد و بالاخره وارد اندرونی گردید آقا در رختخواب نشسته و استراحت می کرد در همین حال با عبدالله خان مذاکره می فرمود. ناگهان صدای آقا بلند شد و شنیدیم آقا می فرماید: ای عبدالله خان، امکان ندارد من دستم را در دست این ستمگری دین بگذارم، من اگر نصف شب از دیوار خانه او بالا رفته و مشاهده کنم که او نماز شب می گزارد باز باورم نمی شود و یقین دارم که حقه ای در کار او است.

به هر حال معلوم شد که عبدالله خان آمده قرار ملاقات آقا را با پهلوی بگذارد اما با مقاومت و امتناع آقا روبرو گردید.

نمونه دیگر، دفاع آن مرحوم از حقوق محرومانی است که توسط وابستگان قاجار به یغما می رفت از جمله کسروی در تاریخ مشروطه ایران ص ۱۴۸ می نویسد:

یکی از رعایای تبریز به نام حاجی عباس، توسط ولیعهد و دار و دسته او مورد ستم قرار گرفته و ملکش تصرف عدوانی می شود. اما هرچه فریاد می کند و تظلم می نماید به جایی نمی رسد سرانجام به خانه علماء و مجتهدین پناه می آورد و راجع به غصب املاک و زمینهایش پرسشنامه ای تهیه و جواب می خواهد، آیت الله میرزا صادق آقا چون صحت ادعای آن رعیت مظلوم را می دانسته و به حقیقت ماجرا واقف بوده، جوابی به مضمون زیر می نویسد «اگر غصب املاک حاجی عباس درست است، پس غصب فدک هم درست بوده است»

• علامه امینی می نویسد:

«او یکی از چهره‌های درخشان تشیع و از جمله دانشمندان متشخص امامیه است که در آذربایجان به مرجعیت تقلید رسید و سالها صاحب ریاست و زعامت دینی گردید زعمی که در اداره امور حسن تدبیر و در قضاء و داوری، دادگری، و در اظهار نظر، ثبات و پایداری و استواری نشان می‌داد. و در اصلاح جامعه برنامه‌هایی پیشرفته ارائه می‌نمود. او همواره با هوشیاری و دوراندیشی و تحمل مشقات و مرارتها، مردم را رهبری می‌کرد و در مبارزه با کفر و الحاد از سختی‌ها و تلخی‌ها نمی‌هراسید و پیوسته با پند و اندرز و سخنان گیرا و نافذش بار مسئولیت را بدوش می‌کشید.<sup>۱</sup>

• شهید میرزا علی ثقة الاسلام تبریزی (م ۱۲۹۰ هـ - ش) می‌نویسد:

«آقا میرزا صادق آقا، فرزند میرزا محمد، فرزند مولی محمد علی قره‌داغی تبریزی یکی از فحول محققین و از یگانه دانشمندان، فقهاء و اصولیینی است که در علم اصول الفقه دارای مشربی تازه و ویژه است و آن را از استاد محقق خود شیخ هادی تهرانی نجفی رضوان الله علیه فرا گرفته است او (میرزا صادق آقا) مجتهدی است زاهد، عابد، بسیار کم حرف و متمایل به انزوا و گوشه‌گیری و دارای آثار و تألیف نیکویی است مثل: مباحث الفاظ، مشتقات و کتابی در فقه که من بخش طهارت آن را دیده‌ام او که خداوند سلامتش بدارد از معاصران و فعلاً در قید حیات می‌باشد، پروردگار متعال وی را به رضای خویش موفق گرداند و پدرش مرحوم میرزا محمد نیز یکی از علمای عصر خویش و دانشمندی مورد اعتماد و مُشارٌ بِالْبَنان بوده و نزد عوام و خواص تبریز مقبولیت و محبوبیت داشته است و به عنوان بالا مجتهد (مجتهد کوچک) خوانده می‌شده است.»<sup>۲</sup>

• علامه سید محمد مهدی کاظمی اصفهانی می‌نویسد:

وهو اطال الله بقاه و من کل مکروه وقاه من کبار علماء ایران واحد مراجع الامامیه فی هذا الزمان، کانت له الرئاسة العامة والمرجعیه التامة فی تبریز سیرته الحكومة الايرانية فی الثورة المشهورة الّتی صارت فی تبریز الی بعض بلاد ایران.»<sup>۳</sup>

یعنی آقا میرزا صادق آقا یکی از علمای بزرگ ایران و از جمله مراجع تقلید شیعه امامیه در عصر حاضر است که صاحب ریاست عام و مرجعیت تام است و حکومت ایران به دنبال انقلابی که در تبریز رخ داد وی را به برخی از بلاد تبعید کرد.

.....

۱ - شهداء الفضيلة/ ۳۹۲. ۲ - مرآة الکتب ج ۱/ ۱۰۸. ۳ - احسن الوديعه/ ۲۶۲





• شادروان حاج ملاعلی خیابانی می نویسد:

«بنا به موجبی به بلده سنندج، مقرر حکومت کردستان مسافرت فرمود و اهالی آنجا با اینکه از جماعت عامه و اهل سنت شافعیه هستند به زیارت او آمدند و تکریم و تجلیل به جای آوردند و علمای ایشان هر روز می آمدند و به قدوم وی در بلدشان افتخار می نمودند حتی شیخ اجل شیخ شکرالله امام جمعه سنندج گفت اگر ذبح ولد شرعی بود من یکی از اولادم را ذبح می کردم»<sup>۱</sup>.

• مرحوم دکتر مهدی مجتهدی می نویسد:

«رضاشاه دستور داد میرزا صادق آقا را گرفتند و به سردشت روانه ساختند وی مدتی آنجا بود تا به قم تبعید گردید»<sup>۲</sup>.

• علامه سید حسن امین عاملی می نویسد:

«او فقیهی بوده مجتهد، مرجع تقلیدی محبوب، انسانی زیباروی، نیکو معاشرت، بردبار، خوش خط، واعظ و سخنور، دارای سعه صدر و قریحه شعر بوده است. حکومت ایران در انقلاب مشهور که به سال ۱۳۴۷ هـ.ق، رخ داد او را به برخی بلاد ایران سپس به قم تبعید کرد.»<sup>۳</sup>

• محقق متبع، شیخ آقا بزرگ تهرانی می نویسد:

«او وجود خود را وقف تدریس، نشر احکام، سود رسانی به مردم، رفع احتیاج نیازمندان، مبارزه با بدعت ها و بی دینی ها و پاسداری از حریم دین و دیانت کرد و در این مسیر رنجی فراوان و ناملایماتی فزون از حد که کوههای عظیم و سخت را تحمل توان آنها نیست دید و با قلبی محکم و حوصله ای شگفت انگیز، همه آنها را به جان خرید و خویشتن را در راه خدا برای هر رویداد تلخ و ناگواری آماده ساخت و در آخر عمر در قم رحل اقامت افکند»<sup>۴</sup>.

• آقای خیرالدین زرکلی م نویسد:

«حکومت پهلوی وی را بهری تبعید کرد، او آزاده ای بود که بر بالای منبر

.....

۱ - علماء معاصرین/ ۱۵۴

۲ - رجال آذربایجان در عصر مشروطیت/ ۱۰۳

۳ - اعیان الشیعة ج ۳۶۷/۷ (چاپ دارالتعارف) چاپ قدیم ج ۱۹۹/۲۶

۴ - طبقات اعلام الشیعة (نقباء البش) ج ۸۷۲/۲

زشتکاریهای پهلوی را مطرح می کرد و لذا پلیس او را دستگیر و نخست در همدان زندانی کرد و سپس به قم تبعید نمود و در همان جا از دنیا رفت»<sup>۱</sup>

ه و بالاخره علامه شیخ محمد حرزالدین می نویسد:

«آقا صادق قره داغی، عالمی بود که در برابر سلطهٔ مزدور بیگانه در ایران ایستاد و کسی که من به او وصحت سخنانش اطمینان دارم و در ایام تبعید وی (آقا میرزا صادق آقا) توسط حکومت ترس و وحشت پهلوی همراهش بوده برای من تعریف می کرد که در زهد و تقوای میرزا صادق آقا شک و شبه ای نیست و او از بیگانه های دوران بوده که جز امر به معروف و نهی از منکر همتی نداشت و همین معنی بر حکومت پهلوی و مأموران مزدور او، گران می آمد»<sup>۲</sup>

#### امداد غیبی

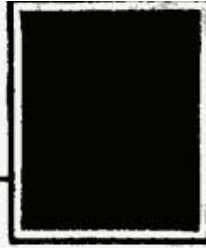
نوهٔ ایشان جناب آقای صادقی نقل کردند هنگام تبعید ایشان از کردستان به قم آقا نماز نخوانده بود هر چه از مأمورین خواش می کند تا توقف کوتاهی بکنند تا ایشان نماز بخوانند، آنها امتناع ورزیده و توقف نمی کنند طولی نمی کشد که ماشین پنجر می شود و مأمور رو به آقا کرده و می گوید حالا هر قدر دلت می خواهد نماز بخوان!

آری خدای سبحان بندگان مخلص و مجاهد خود را در کورانها و بحرانهای زندگی کمک می کند و آنان را از تنگنا رهائی می بخشد که: وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا آیت الله شهید دستغیب در «داستانهای شگفت» تحت عنوان «کرامت علماء» می نویسد:

جناب آقای حاج آقا معین شیرازی ساکن تهران نقل فرمودند که روزی باتفاق یکی از بنی اعمام در خیابان تهران ایستاده منتظر تا کسی بودیم تا سوار شویم و به محل موعودیکه فاصله زیادی داشت برویم.

قریب نیمساعت ایستادیم هر چه تا کسی می آمد یا پر از مسافر بود یا نگه نمیداشت و خسته شدیم ناگاه یک تا کسی آمد و خودش توقف کرد و بما گفت آقایان بفرمائید سوار شوید و هر جا میخواهید بفرمائید تا شما را برسانم ما سوار شدیم و مقصدمانرا گفتیم در

.....



اثناء راه من به ابن عمم گفتم شکر خدا را که در تهران یک راننده مسلمان پیدا شد که به حال ما رقت کرد و ما را سوار نمود. راننده شنید و گفت آقایان تصادفاً من مسلمان نیستم و ارمنی هستم گفتیم پس چطور ملاحظه ما را نمودی گفت اگر چه مسلمان نیستم اما به کسانی که عالم مسلمانها هستند و لباس اهل علم دربر دارند عقیده مندم و احترامشانرا لازم میدانم بواسطه امریکه دیدم.

پرسیدم چه دیدی؟ گفت سالی که مرحوم آقای حاج میرزا صادق مجتهد تبریزی را بعنوان تبعید از تبریز به کردستان (سنندج) حرکت دادند من راننده اتومبیل ایشان بودم در اثناء راه نزدیک بدرخت و چشمه آبی شدیم آقای تبریزی فرمودند اینجا نگه دار تا نماز ظهر و عصر را بخوانم سرهنگی که مأمور ایشان بود به من گفت اعتناء نکن و برو، من هم اعتنائی نکرده رفتم تا محاذی آب رسیدم ناگهان ماشین خاموش شد هر چه کردم روشن نگردید پیاده شدم تا سبب خرابی آنرا بدانم هیچ نفهمیدم مرحوم آقا فرمود حالا که ماشین متوقف است بگذارید نماز بخوانم. سرهنگ ساکت شد آقا مشغول نماز گردید، من هم سرگرم باز کردن آلات ماشین شدم بالاخره هنگامی که آقا از نماز فارغ شد و حرکت کرد فوراً ماشین روشن گردید.

از آنروز من دانستم که اهل این لباس نزد خدای عالم محترم و آبرومندند.<sup>۱</sup>

## وفات و مدفن

ایشان به دنبال کسالت ذات الریه در شب جمعه ششم ذی القعدة ۱۳۵۱ در قم از دنیا رحلت کرد و چون صبح جمعه فرا رسید اهالی قم و زائرین حضرت معصومه (علیها سلام) از ارتحال ایشان باخبر شده و قم یک پارچه عزادار گردید.

مراسم تغسیل و تکفین وی را عالم ورع و متقی شیخ مهدی محدث واعظ به عهده گرفت و نماز وی را مرحوم آیت الله حاج شیخ ابوالقاسم کبیر خواند و بطوری که صاحب علماء معاصرین نوشته تقریباً پانزده هزار تن در تشییع حاضر و مردم مثل ایام عاشورا گریه و ناله می کردند و می خواندند:

رفت از دار فنا ++ سوی بقا سرور ما ++ خاک غم بر سر ما و....

.....

۱ - داستانهای شگفت ص ۴۱ و ۴۲.

جنازه وی را به حرم حمل کردند و به هنگام حفر قبر، قبر آماده‌ای پیدا شد و مردم را به تعجب واداشت زیرا حتی خدام آستانه مقدسه احتمال نمی‌دادند که در واقعین اطراف حرم چنین قبر حاضر خالی وجود داشته باشد.

به دنبال این حادثه جبران ناپذیر در اکثر بلاد ایران و نجف مجالس ترحیم برگزار شد و بازار برخی از شهرها بسته شد در قم از طرف مرحوم آیت الله حائری و در مشهد از طرف آیت الله حاج آقا حسین قمی و مرحوم آیت الله سید صدرالدین صدر و در نجف از ناحیه مرحوم آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی و دیگران نیز مجالس یادبودی برگزار گردید و در آذربایجان از طرف اقشار مختلف و خانواده ایشان مخصوصاً اخوان معظمش مجلس تذکر و یادبود باشکوهی برگزار و پس از مدتی بخاطر کثرت ازدحام مردم در این مجالس، دولت رضاخانی از ترس اینکه شاید این اجتماعات به تظاهرات بر علیه رژیم منجر شود، انعقاد مجالس را ممنوع نمود با این همه مجالس فاتحه و اطعام فقراء، در شهرهای همدان و زنجان و اردبیل و مراغه و ارومیه و خوی بطور بی سابقه‌ای بر پا شد.

ماده تاریخ وفاتش به عربی (قدانجاء الله تعالى من ایدی الظلمة) و به فارسی (قوام ملت و دین بوده مقتدای انام).

## مدارک:

- ۱- احسن الودیعة ج ۲ / ۱۱۰
- ۲- علماء معاصرین / ۱۵۳-۱۵۸ و ۱۱۳
- ۳- آثار الحجج ج ۱ ص ۳۶ و ۳۹
- ۴- وقایع الایام- جلد محرم- ۴۱۷- ۴۹۵
- ۵- شهداء الفضیلة- باورقی- ص ۳۹۲
- ۶- رجال آذربایجان ۲۴، ۶۵، ۱۰۳
- ۷- مؤلفین کتب چاپ ۴۸۱/۳
- ۸- معجم رجال الفکر والادب فی النجف / ۵
- ۹- کیهان اندیشه ش ۱۰ و ش ۱۶ مقاله آقای سیدابراهیم سید علوی تحت عنوان بیان صادق (که از آن بسیار استفاده شد)
- ۱۰- امام و روحانیت ص ۱۸۹ و ۱۹۸ و ۳۲۴
- ۱۱- گنجینه دانشمندان ج ۴ از ۴۵۸ تا ۴۶۳ نوشته حجة الاسلام والمسلمین میرزا علاءالدین دینوری  
پسر آیت الله حاج میرزا مجتهد و برادرزاده مترجم  
بقیه در صفحه ۲۰۰

سمت پیغمبری دارند و نه امام هستند:

این توهم از این جا ناشی می شود که تصور گردیده فقط پیامبران و ائمه (ع) باید معصوم باشند تا بتوانند وظائف رهبری خود را در جامعه در پرتو علوم آسمانی بدور از هرگونه خطاء و لغزش انجام دهند.

ولکن درعین حال که این مطلب مورد قبول است و رهبران الهی ما باید معصوم بوده و محفوظ از خطاء و اشتباه باشند ولی دلیلی بر این نداریم که غیر از اینها کسی نمی تواند معصوم باشد، یعنی دلیلی بر حصر عصمت در انبیاء و ائمه اطهار نداریم و ممکن است فردی غیر از ائمه یافت شود که معصوم باشد چنانکه در مورد بعضی از فرزندان ائمه و اولیاء خدا این احتمال را داده اند.<sup>۴</sup>

.....

(۴) برای آگاهی بیشتر به کتاب «کلمة الفراء فی تفضیل الزهراء» تألیف مرحوم سید شرف الدین و کتاب «بانوی نمونه اسلام» نوشته ابراهیم امینی رجوع نمائید.

بقیه از صفحه ۱۵۳

- ۱۲- معارف الرجال ج ۱/ ۳۷۴
- ۱۳- چهره آذربادگان در آئینه تاریخ ایران ۱۷۴-۱۷۷
- ۱۴- سخنوران آذربایجان ج ۲/ ۸۰۰
- ۱۵- طبقات اعلام الشيعة ۸۷۳
- ۱۶- اعیان الشيعة ۱۹۹/۳۶- ۲۰۱
- ۱۷- معجم المؤلفین ج ۴/ ۳۱۷
- ۱۸- خاطرات و خطرات از مخیرالسلطنه (مهدی قلی خان هدایت) ۳۲۲
- ۱۹- مبانی حقوق از موسی جوان ج ۲/ ۱۳۸
- ۲۰- تاریخ مشروطه ایران / ۱۴۸، ۱۸۴
- ۲۱- نوشته های حجة الاسلام جناب آقای محمد دینوری فرزند محترم آیت الله دینوری که توسط حجة الاسلام والمسلمین سید ابراهیم سید علوی دریافت شد و نیز اظهارات سبط مترجم حجة الاسلام والمسلمین حاج میرزا مهدی صادقی تبریزی
- ۲۲- داستانهای شگفت ص ۴۱ و ۴۲
- ۲۳- اندیشه اصلاحی در نهفتنهای اسلامی از محمدجواد صاحبی